



شینهو- جاده‌ای که از بین‌رود خانه‌و جنگل یخ‌زده عبور می کند، چین



گاردین- شست‌وشوی کروکودیل در باغ وحش، اندونزی



رویترز- آماده سازی بالون برای هفته بالون سواری، سوئیس

دنیانه روایت تصویر

- در محضر بزرگان

هدف زندگی، کسب رضایت خداست

استاد فاطمی نیا می فرماید:

«قدر تمامی لحظات زندگی را باید بدانیم و صرف تحصیل رضایت محبوب کنیم. این بدان معنا نیست که مثلا دیگر سفر نرویم، تفریح نکنیم و... با معارف نباید مقدس بازی کرد! مقصود این است آن چه در زندگی مان باید هدف باشد، آخرت و کسب رضایت خداست. اگر هم تفریح و ورزش و... می کنیم برای حصول نشاط و توانایی به جهت همان هدف اصلی است. مرحوم آیت ... شیخ محمد بهاری که از کبار عرفا بود در مکتوبات خود می نویسد: «یک لحظه از عمر ما معادل است با کل عالم و ما فیها» بعضی از ما به این امور موضوعیت می دهیم. مثلا تمام زندگی جوان می شود ورزش و تفریح! یا برای فرد دیگر پول در آوردن می شود هدف اصلی در زندگی! این ها همه باید باشد ولی این صحیح نیست که به آن ها موضوعیت بدهیم و بیش از حدّ خودشان بهشان بها دهیم.»

- فتو شعر



- فارسی بنویسیم

فریم یا قاب؟

در بازار فرش قدم می زدیم که ناگهان حبیب را دیدم در حالی که عینک به چشمانش زده بود. او را صدا کردم و احوالش را پرسیدم. به شوخی گفتم: «دیدي بهت گفتم زیاد مطالعه نکن. گوش نکردی و آخرش عینکی شدی!» حبیب با خنده جواب داد: «مگه من رو با عینک ندیدی؟» گفتم: «نه. من آخرین بار شش ماه پیش تو رو دیدم که بدون عینک بودی.» گفتم: «من همون زمان هم عینکی بودم ولی «فریم» عینکم شکسته بود. داده بودم تعمیر.» گفتم: «و درست از همون زمانی که عینکی شدی به «قاب» عینک گفتی «فریم»؟!» حبیب فوری گفت: «یعنی می گی من فکر کردم عینک کلاس میاره؟!» با شوخی گفتم: «نه، کلاس عینک میاره! از بس سر کلاس درس خوندی عینکی شدی. حالا ولش کن، خودت چطور؟» «صحبت من و حبیب طول کشید اما پس از خداحافظی به این مطلب فکر کردم که چرا ابزار گاهی می توانند بر فرهنگ و گفتار ما تاثیر بگذارند. اسماعیل فریدونی

- زندگی بزرگان

ماشین نمی‌خوام



بر گرفته از کتاب فریاد در تاکستان، اثر محمد خسروی راد

- کاریکلماتور



- اندکس میر

زمستان

زمستانی سراسر برف به تن پوشیده چو نان نوعروسان
بید مجنونی کنار راه سرد سرد بر سرما تمام ساق و شاخش زیر سنگین برف

عبداله فتاحی صادق آبادی

- از اون لحاظ

تعصب؛ از رضا مال‌الدینی تا بعضی‌ها!



بازیکن های مشهوری که فرمزپوش یا آبی پوش شدن در این حد به تیم شون عشق داشتن! اما حالا چی؟

مدیر عامل: آقای خ ج ما بازی شمارو دیدیم، پسندیدیم، لطف می کنین بیاین تیم ما سالی یک حرکت مثبت برای دل هواداران انجام بدین؟
بازیکن: چون تیم شما هوادار میلیونی داره و من هم از بچگی عاشق این تیم بودم یک میلیارد بذار روی پیشنهاد قبلی خیرش رو ببینی!
ميام اما اگه چک اولم پاس نشه ميرم شکايت می کنم، تمرين هم نمی کنم!
همه اينام فقط به عشق هوادارهای گرامی! وگرنه تو قطر ۱۰۰ هزار تومن بيشتر بهم پول ميدن، صبحانه شون هم به جای چای و نون پنير، قهوه است با نون تست و خامه شکلاتی. ببينين دارم قيد چه امکاناتی رو می زيم تمام باشگاه شما! قدر بدونين.

دانش سامان

- حکایت

دل بردن بدون دل

به حضرت یوسف(ع) گفتند: «تو دل از زلیخا برده ای و او را در غم رها کرده ای. آیا می توانی دل او را به خود او برگردانی تا آرام یابد؟» یوسف(ع) گفت: «مرا نه کاری به کار دل او بود و نه چنین قصد و گمانی با من بود. من خود ۲۰ سال تمام است دل خودم را گم کرده ام و از آن خبری ندارم.»

کسی کو از دل خود نیست آگاه چگونه در دل دیگر بزد راه بر گرفته از الهی نامه عطار

- دور دنیا

بزرگ ترین تی شرت دنیا



گینس ورلد رکورد- یک شرکت تولید مواد بازیافتی در بمبئی، برای این‌که قدرت بازیافت را به مردم نشان دهد و آن‌ها را تشویق به جمع آوری زباله های خشک کند، تصمیم گرفت تا بزرگ ترین تی شرت دنیا را با استفاده از مواد بازیافتی بسازد. این شرکت ۲۰۰ هزار بطری پلاستیکی را بازیافت و آن‌را با پارچه تبدیل کرد. سپس ۱۵ خیاط در مدت ۴۵ روز یک تی شرت غول پیکر را دوختند و رکورد جدیدی را در گینس ثبت کردند.

شترهایی که بوتاکس می‌کنند!



اسکای نیوز- حتما این خبر را خوانده اید که مسابقه زیباترین شتر در عربستان سعودی، باعث رسوایی بزرگی شد، چون ۱۲ شتر شرکت کننده در این مسابقه بوتاکس شده بودند! ولی بد نیست بدانید جایزه این مسابقه به میلیون ها پوند می رسد و این جایزه به قدری وسوسه کننده است که صاحبان شتر ها صورت آن ها را عمل جراحی زیبایی می کنند. در این مسابقات اندازه لب و گونه شترها جزو معیارهای زیبایی است، بنابراین بوتاکس روش خوبی برای پیروز شدن در این مسابقه است!

کوچک ترین اسپینر دنیا



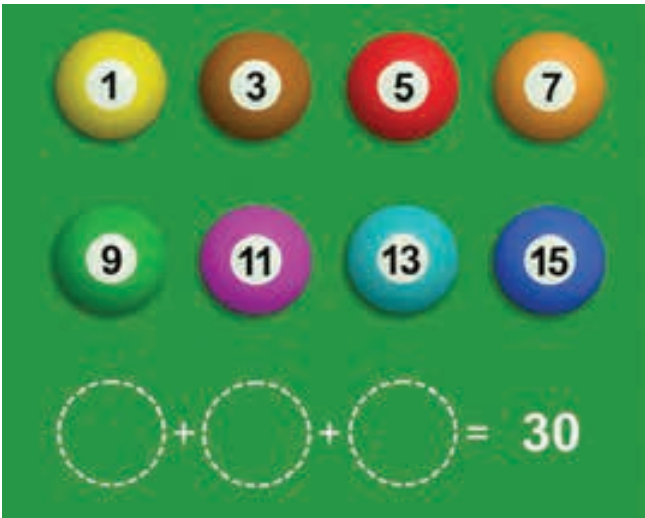
گینس ورلد رکورد- یک شرکت ژاپنی اسپینرهایی با ابعاد بسیار کوچک ساخته است که به راحتی روی انگشت جای می گیرد! اندازه این اسپینرها پنج میلی متر است اما این شرکت به تازگی برای ثبت رکورد در گینس، کوچک ترین اسپینر خود را ساخته است. این اسپینر تنها ۱/۴ میلی متر و ۰٫۰۰۲۷ گرم است. یک تیم در این شرکت حدود هشت ماه روی فناوری ساخت این اسپینرهای انگشتی کار کردند تا موفق شدند این رکورد را ثبت کنند.



- آزمون هوش

سه توپ را پیدا کن!

طبق شکل زیر، هشت توپ داریم که همه اعدادشان فرد هستند. چطور می توانیم با جمع سه عدد از آن ها به عدد ۳۰ برسیم؟



- پاسخ مسابقه چه می‌گه؟

باز ولنتاین ر سید؟



سلام. ممنون از همه که با شیوه درست و طبق روش و با نام تو مسابقه شرکت کردن و سیاس بیشتر از دوستانی که دنبال کلیشه های «یارانه، سهام عدالت، شله، تخم مرغ و...» رفتن! چند تا از جمله های بانمک تر رو انتخاب کردیم که می خونید. دم تون گرم و خوش باشید همیشه.

✳️ آقای قاضی، رجم کنین! باور کنید مهریه سنگینه... ده تا شونه تخم مرغه!

✳️ آقای قاضی، دیدم ولنتاین نزدیکه و سود سهام عدالت کفاف کادوها رو نمیده، برای همین...
✳️ آقای مدیر، بازم برف نیومد، ما باید بیایم مدرسه... آخه چرا؟
✳️ پس این جایزه مسابقه همشهری سلام رو کی میدن؟
✳️ ای خدا! چرا باز هم خیابانی گزار شگر بازیه!
✳️ به جون خودم ایول دارم! یک ملت رو با دور همی سر کار گذاشتم، هم تشویق ام می کنن، هم یک رو می فرستن تا خرج برنامه درآد!
✳️ مشتبی! ناخونت رو نکش روخته سیاه جون مادرت! (مشتبی همون تلفظ عامیانه مجتبی است!)
✳️ آقای مدیر! بچه من که روستاییه چرا باید شهری بده؟! شهری مال بچه ای هست که شهریه!
✳️ سیدحسین آروند
✳️ یعنی می خوی بگی از جام جهانی انصراف ندادیم و می خوایم بریم؟ افسانه و رضا احمدی
✳️ آقای قاضی، هنوز سه ماه به عید مونده مامانم کابینت ها رو ریخته بیرون. ارش صداقت
✳️ بازم باید مسواک بزنم؟
✳️ آقا تو رو خدا اسم ام رو نگیں... آخه پنج هزار میلیارد که دیگه ارزش این حرفا رو نداره.

✳️ بابک فلاح
✳️ شما رو قسم میدم سود سهام عدالت من رو یک جا به حسابم واریز نکنید، ذوق مرگ میشم!
✳️ حسین استادیان، تربت حیدریه
✳️ چرا خبر تعطیلی مدارس دیر اعلام میشه؟ حالا تو این برقا کی حال داره برگرده؟

صدیقه سیدی
✳️ آقا ما بلد نیسُتم شنا بُژم، کلاخ پر بُژم؟
✳️ اجازه آقا ناظم، پوریا جعفری و شهریار فدایی افتادن دنبال ما به خط کش، ولی من با کف گرگی و پنجه بوکس از خجالت شون در اومدم.
✳️ مینو اسعدی
✳️ خانم معلم خواهش می کنم به مامانم چیزی نگیں، آبروم میره، تا خونه برسم شلوارم خشک میشه.
✳️ هادی آل شیخ، یجنورد
✳️ آقای قاضی زتم رو با بیل زدم! چون هر وقت هندونه قاچ می کردم سریع گل وسطش رو برای خودش برمی داشت.
✳️ استاد به خدا بیام یتیمه، میشه ۹ منو ۱۰ بدین؟
✳️ مهدی مهربان
✳️ حسین قادری
✳️ خانم تو که می دونی سه روزه میرم سر گذر، میگن تو پیبری، سر کارم نمی برن! حالا با کدوم پول پیتزا بگیرم؟
✳️ مهروا صادقی
✳️ آقای قاضی! من از مامانم شکایت دارم! P۵4 منو قایم کرده و نمیده!
✳️ صادق داووزنی
✳️ به سوپ می گفت غذا!

- افسانه های نوین

پیرزن در باندیده و ماهیگیر دنیادیده

پیرزنی برای اولین بار در عمرش می خواست به کنار دریا برود. همسایه هایش که فکر می کردند پیرزن هیچ تصویری از دریا ندارد، قبل از این که راه بیفتند دورش را گرفتند و گفتند که از بابت همه چیز خیالتش جمع باشد و فقط برای آن ها یک شیشه آب دریا سوغات بیاورد! بعد از چند روز راه رفتن و عبور از کوه و دره و جنگل و مبارزه با حیوانات وحشی و نیمه وحشی و دلجویی از حیوانات اهلی و زیر باران و آفتاب سوزان، سرانجام پیرزن به کنار دریا رسید. یکی نبود از او پرسد که مگر دیدن یک خروار آب چقدر ارزش دارد که این همه دردرس را متحمل شود؟ آن موقع که پیرزن لب دریا رسید، اوج مد بود و آب دریا بالا آمده بود. پیرزن از پیرمرد قایقرانی که همان اطراف بود خواهش کرد تا یک بطری آب دریا به او بفروشد. پیرمرد که چشم هایش گرد شده بود، بر و بر به زن نگاه کرد و افزود: «بسیار خوب، ولی هر بطری آب دریا پنج سکه است!» پیرزن پنج سکه را به قایقران داد و بطری را پر از آب کرد و خوشحال رفت تا چرخي در شهر بزند و برای خودش کلاه حصیری و کیت و دمپایی لاتنگشتی و از آن بلیچه ها و سطل هایی که شن بازی می کنند بخرد. چند ساعت بعد که برگشت تا برای آخرین بار با دل سیر به دریا نگاه کند، وقت جزو دو آب دریا پایین رفته بود.

پیرزن با تعجب فریاد زد و افزود: «اوه... خدای من! جناب ماهیگیر، خوش به حالتان، عجب تجارنی به هم زده اید؟ همه آب دریا رو فروختید؟!» ماهیگیر که به عقل پیرزن شک کرده بود، دلش به حالش سوخت و جریان را برایش تعریف کرد و پنج سکه اش را هم پس داد. پیرزن لیخندی زد و افزود: «من خودم می دانستم، چون همه چیز را دربارِه دریا سرچ کرده بودم و عکس هایش را هم در اینستای بچه های گروه لایک کرده بودم. می خواستم تورا امتحان کنم!» پیرمرد از زبل بودن پیرزن خوشش آمد و چون مدت ها بود همسرش فوت کرده بود، از پیرزن خواستگاری کرد و پیرزن هم که از دریا خوشش آمده بود پذیرفت و برای سال های سال همان جا کنار دریا زندگی کردند و بطری آب دریایی را که قرار بود سوغاتی برای همسایه هایش برده، برایشان پست کرد که متأسفانه هنوز خبری از سر نوشت آن در دست نیست.

- باس ماس



- ما و شما

شماره پیامک: ۲۵۰۰۹۹۹

✳️ در مطلب دی روزنامه، لباس مردونه پوشیدن خانم ها گاهی برای حفظ امنیت شونه و از سر ناچاری، نه برای تفریح و از سر دلخوشی!
✳️ راجع به آینده ام هیچی نمی دونم. فقط کاش به دردهایی ✳️ مسعود مجنونپور
✳️ چه نکشدم بیبره...
✳️ چه نیکو و به جاست شکر و حمد و سیاس و اطاعت از خالق پس از نزول بارش برف و نیکوتر ترک محرمات!
✳️ من احتمال می دهم چند وقت دیگه شوهر خانم رهنما ورشکسته خواهد شد. چون به جای تجارت، دنبال خانم اش دایم درحال عکس گرفتن است! داداش برو بچسب به کارت، باز با بی رحمی داریم، بپا کله پا نشی!
✳️ در این هوای سرد به یاد پرنده های باشم و بر اشون دون بیاشیم.
✳️ ثمین عزیزم سالروز تولدت ۱۲ بهمن، فرخنده باد.
✳️ هسرت مهدی
✳️ یسنا جان عزیز، موفقیت ات را در امتحان های پایه چهارم تحسین می کنیم. همواره موفق باشی.
✳️ بابا و مامان و خواهر کوچک ات یاسمین زهرا
✳️ پاسخ خفن استرپ شماره قبل: بد بیاری- درد کشیده- همکاری

- پاسخ آزمون هوش

۱. ۱۰۰
۲. ۱۰۰
۳. ۱۰۰
۴. ۱۰۰
۵. ۱۰۰
۶. ۱۰۰
۷. ۱۰۰
۸. ۱۰۰
۹. ۱۰۰
۱۰. ۱۰۰